

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی

برنامه تقدیمی با عنوان، "کسب آگاهی از هدف زندگی و تأثیر آن بر رشد و توسعه جامعه"، تلاش دارد به اهمیت شناخت اهداف در زندگی و نتایج آن بر فرد و جامعه پردازد، با تکیه بر این حقیقت که براساس آموزه های آئین بهائی، هدف یک فرد در زندگی صرفاً معطوف به حیات فردی او نبوده، بلکه یقیناً بر جامعه نیز مؤثر خواهد بود.

امیدآنکه با زیارت آثار مبارکه و تأمل بر مضامین آن، آگاهانه تر بر اهداف خویش، در مسیر ارتقاء فردی و جمعی، متمرکز گردیم.

جانتان خوش باد

عنوان: کسب آگاهی از هدف زندگی و تأثیر آن بر رشد و توسعه جامعه

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. ذکر دسته جمعی (هَلْ مِنْ مُفْرَجٍ غَيْرِ اللَّهِ...)
۳. بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

قسمت اداری

۴. هدف ما وصول به تمدنی جهانی است
 ۵. درکی عمیق از هدف حیات و رسالت روحانی
 ۶. کافی نیست که انسان فقط سعی نماید تا فردی با اخلاق حسنه باشد
 ۷. بهائیان و ایجاد الگوها و ساختارهای جدید
 ۸. برای فرد بهائی، هدف زندگی چیست؟
 ۹. هدف دو جانبه
 ۱۰. شعر: زندگی
 ۱۱. شور و مشورت
- اهداف نهایی و اولویتهای عمده شما در زندگی شامل چه اموریست؟ نتایج توجه به این اهداف، چه تأثیری بر شما و محیط اجتماعیتان خواهد گذاشت؟
۱۲. برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳. انس و الفت
۱۴. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

۱- مناجات شروع

إلها معبودا ملکا، حمد و ثنا سزاوار تو است چه که از مشتی تُراب، خلق را خلق فرمودی و گوهر بینش و دانش، عطا نمودی. ای کریم از تو میطلبیم آنچه را که سبب حیات ابدی و زندگی سرمدیست. ما را محروم منما. وجود از جودت موجود، او را از طراز عنایت منع مفرما و کل را به تجلیات انوار نیر توحید، مُنور گردان. لک الامر فی المبدأ و المعاد و لک الحکم یا مالک الایجاد و مالک العباد.

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۴۵

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

" و بعد از خلق کل ممکنات و ایجاد موجودات، به تجلی اسم یا مختار، انسان را از بین اُمم و خَلایق، برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود، اختیار نمود، چنانچه در حدیث قدسی مشهود و مذکور است و به خلعت مکرمت "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ" و به رداء عنایت و موهبت "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَن الْخَالِقِينَ" مفتخر و سرافراز فرمود
مجموعه الواح مبارکه ص ۳

و در لوح مقصود میفرمایند:

"اگر انسان به قدر و مقام خود عارف شود، جز اخلاق حسنه و اعمال طیبه راضیه مرضیه از او ظاهر نشود."

مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی بعد از کتاب اقدس ص ۱۰۵

و نیز میفرمایند: یا مهدی این اعمال خالصه، آثار آن در ارض نافذ و ساری؛ همان قسم که اعمال نفوس خبیثه سبب و علت بلایا و رزایای ارض است، این اعمال طیبه خالصه هم که لوجه الله ظاهر میشود سبب حیات و علت ظهورات خیریه بوده و خواهد بود.

آثار قلم اعلی جلد ۶ ص ۲

۴- هدف ما وصول به تمدنی جهانی است

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" مقصد حیات از نظر اهل بهاء، وصول به وحدت عالم انسانی است. همه عوامل زندگی به حیات سایر ابناء نوع بشر، وابسته است. ما به نجات نفوس خویش تنها نمی اندیشیم بلکه به فکر رستگاری عموم هستیم. هدف ما، وصول به تمدنی جهانی است که لامحاله افراد بشر را نیز در بر می گیرد و بدین ترتیب از یک نظر در نقطه مقابل مسیحیت که معتقد است باید از فرد شروع نمود و از طریق آن به حیات جامعه دست یافت، قرار داریم."

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی ص ۱۰۶

۵- درکی عمیق از هدف حیات و رسالت روحانی

تبع در آثار الهی و تعمق دقیق در هدایات مندرج در پیام های بیت العدل اعظم نه تنها اهل بهاء را در مسیر تغییر و تحول روحانی و حصول درکی عمیق تر از هدف حیات عنصری خویش یاری می کند بلکه به آن محبوبان انگیزه و نیرو می بخشد که به ورای زندگی مادی و زودگذر این عالم بنگرند و در اجرای رسالت روحانی خویش، رسالتی که حضرت بهاءالله به پیروانش در آن خطه محول فرموده، و در راه ترقی و سربلندی ایران ساعی و قائم بمانند. علیرغم همه تضییقات و بی عدالتی های موجود و تجربیات تلخ و ناگوار زندگی، احبای غیور و فداکار مهد امرالله این رسالت را فراموش ننموده و اهمیّت آن را همیشه مد نظر داشته اند و به نتایج شگفت انگیز فداکاری و استقامت شان واقف و آگاهند.

پیام ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳ دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباء

۶- کافی نیست که انسان فقط سعی نماید تا فردی با اخلاق حسنه باشد هدف از زندگی یک فرد بهائی، تکامل روحانی فردی و موفقیت در خدمت به نوع بشر و در تأسیس مدنیت الهی است. بنابراین از نظر یک شخص بهائی کافی نیست که انسان فقط سعی نماید تا فردی با اخلاق حسنه باشد، در حالیکه عالمی پر از سیئات مختلفه او را احاطه نموده است. بلکه انسان باید خود را وسیله ای برای ایجاد تغییر و تحول مثبت روحانی، اجتماعی و اقتصادی در افراد و در جامعه ببیند و تلاش کند تا محیط خود را تحت تأثیر قرار داده و در راه بروز نیکی، رفاه و سعادت بشر، مثمر ثمر باشد. ما بهائیان موظف هستیم که دائماً بکوشیم و بیاموزیم که چگونه به ایجاد این تغییر کمک نمائیم و چگونه در راه استقلال عدل و انصاف، وحدت عالم انسانی و دیگر اصولی که از قلم جمال مبارک برای رفاه و آسایش بشر نازل شده، قدمی برداریم".

پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ اوت ۲۰۰۶

۷- بهائیان و ایجاد الگوها و ساختارهای جدید

همان طور که در آموزه های حضرت بهاء الله آمده است، باید در افراد و ساختارهای اجتماعی در هر سطحی، از خانواده گرفته تا نهادهای جهانی، تغییراتی گسترده رخ دهد. به فرموده حضرت بهاء الله: «مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم، سرّاً و جَهراً، ظاهراً و باطناً». بهائیان و همه افرادی که دیدگاه حضرت بهاء الله را پذیرفته اند، به صورتی روشمند فعالیت می کنند تا هسته اصلی تمدن الهی را بسازند و الگوهای جدید زندگی فردی و جمعی و ساختارهای این سازمان نوین را، ایجاد نمایند.

هدف از پیشرفت انسان، رسیدن به یگانگی نوع بشر است که باید به عنوان اصلی اساسی در نظر گرفته شود. وحدت در کثرت، حالت و مرحله ای نیست که بتوان با حل همه مشکلات به آن رسید؛ بلکه ابزاری برای حل مشکلات است و تحولات عمیق اجتماعی را پدید می آورد. با فعالیت های پیوند دهنده ای نظیر جامعه سازی، اقدام اجتماعی و گفتمان های عمومی که با

طبیعت بشری هماهنگ هستند، تجربهٔ جامعهٔ بهائی، شیوه‌های جدیدی را آزموده که توان بالقوهٔ روح عصر کنونی را نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۸۵، بیت العدل اعظم در بیانیه‌ای با عنوان «وعدۀ صلح جهانی» خطاب به مردم جهان می‌گوید که، همهٔ بهائیان از هر کجای این عالم، صمیمانه و صادقانه، مشتاق آن هستند که به افرادی بپیوندند که با حُسن نیت، وظیفهٔ خَطیر ساختن بنیان‌های یک جهان عادلانه، متحد و پایدار را دنبال می‌کنند.

«چون به اهمیت عظیم وظیفه‌ای که اکنون پیش روی تمامی جهان قرار دارد می‌اندیشیم، با کمال خضوع سر تعظیم به پیشگاه خالق مُتعال فرود می‌آوریم، خالقی که با محبت بی‌منت‌هایش جمیع بشر را از یک سُلّله خلق فرمود، جوهر ثمین حقیقت انسانی را در او به ودیعه نهاد، به شرف هوش و دانایی و کرامت و جاودانگی، مفتخر فرمود، و "انسان را از بین اُمم و خَلایق، برای معرفت و محبت خود که علت غایی و سبب خلقت کائنات بود، اختیار نمود".

«ایمان راسخ ما بر آنست که انسان "برای اصلاح عالم خلق شده" و "شئون درنده‌های ارض، لایق انسان نبوده و نیست" و کمالات و فضایلی که شایستهٔ مقام شامخ انسان است، امانت‌داری، بردباری، رحمت، شفقت و مهربانی به تمام نوع بشر است. بر این باور تأکید می‌کنیم که باید در این یوم موعود، مقام و رتبهٔ انسان ظاهر شود، قُوا و استعدادات مکنونه‌اش، به مَنْصِبِ ظهور رسد، سرنوشت درخشانش به خوبی آشکار گردد و فضایل عالیۀ فطری‌اش به عرصهٔ شهود درآید. اینست انگیزه و منشأ ایمان راسخ ما بر اینکه صلح و یگانگی، مقصدیست ممکن‌الحصول که نوع انسان تلاش کنان به سوی آن پیش می‌رود.»

۸- برای فرد بهائی، هدف زندگی چیست؟

حضرت روحیه خانم ایادی عزیز و محبوب امرالله میفرمودند:

شخصی از حضرت ولی امرالله پرسید، برای فرد بهائی، هدف زندگی چیست؟ من در آن موقع حضور نداشتم، هیکل مبارک جوابی را که به او داده بودند، برای من تکرار کردند. اما، قبل از آن که ایشان جواب را عنایت فرمایند، در ذهن خودم در جستجوی جواب برآمدم. آیا ایشان به سائل فرموده بودند که هدف از زندگی، عرفان الهی است و به کمال رساندن خُلقیات و شخصیت خود؟ واقعاً به هیچ وجه جوابی را که ایشان داده بودند، در خواب هم نمی دیدم. ایشان فرموده بودند؛ هدف از زندگی برای فرد بهائی، ترویج وحدت عالم انسانی است. تمام زندگی ما، به زندگی کل افراد بشر وابسته است. ما در طلب رستگاری شخصی نیستیم؛ بلکه نَجاح و فَلَاح عمومی را طالبیم. بر ما نیست که نگاهی به خویشتن اندازیم و بگوییم؛ حال به نجات روح و پرداز و جایگاهی راحت در عالم بعد برای خود تدارک ببین، خیر، ما باید مشغول پدید آوردن ملکوت بر وجه ارض باشیم، این، مفهوم بس بزرگ دارد. حضرت ولی امرالله در ادامه توضیح دادند که، هدف ما ایجاد مدنیّتی جهانی است که خود بنفسه بر شخصیت و اخلاق فرد تاثیر می گذارد این از لحاظی عکس آیین مسیحی است که با فرد شروع شد و از طریق فرد به حیات جمعی انسانها پرداخت.

این بدان معنی نیست که ما باید از اصلاح خصوصیات و شخصیت خویش، غافل شویم و به رفع نواقص و عُیوب و نقاط ضعف خود، نپردازیم. بلکه به این معنی است که باید آنچه از حقایق را که از طریق مطالعهٔ تعالیم حضرت بهاءالله دریافته ایم، چون نوری به دیگران ساطع نماییم... همچنین در جایی که بهائی بودن بسیار مهم تلقی می شود، یعنی حیات مشترک بهائی مان، بیش از پیش سعی کنیم بهائی به معنای واقعی باشیم.

۹- هدف دو جانبه

یکی از مفاهیم محوری در تعالیم بهائی این است که، تهذیب شخصیت باطنی فرد و خدمت به نوع انسان، جنبه های تفکیک ناپذیری از زندگی هستند. حضرت شوقی افندی در نامه ای که از طرف ایشان مرقوم شده می فرمایند: " نمی توانیم قلب انسان را از محیط اطراف او جدا سازیم و بگوئیم که هر زمان یکی از آنها اصلاح گردد، همه چیز اصلاح خواهد شد. انسان در رابطه ای ارگانیک با عالم است. حیات باطنی اش بر محیط او تأثیر می گذارد و خود، فی نفسه عمیقاً متأثر از آن است. هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می گذارد و هر تغییر دائمی در حیات انسان، نتیجه این تأثیر و تأثر متقابل است. از این زاویه است که بهائیان عملکرد هدف دو جانبه ای را که در زندگی شان نقش اساسی دارد، درک می کنند از یک سو پرداختن به رشد روحانی و فکری خود و از سوی دیگر مشارکت در تحول اجتماع.

این هدف دو جانبه به شکل دهی اقدامات بهائیان در تمامی زمینه ها کمک می کند. برای مثال نه تنها انتظار می رود که افراد در زندگی شخصی خود به دعا و تأمل پردازند، بلکه برای سرشار ساختن محیط اطراف خود از روح نیایش نیز تلاش کنند. از آنها خواسته شده است نه تنها دانش خود را در مورد امر بهائی عمیق کنند، بلکه تعالیم حضرت بهاءالله را با دیگران نیز به اشتراک بگذارند و به آنها توصیه شده، نه تنها در زندگی شخصی خود در مقابل خواسته های نفسشان مقاومت نمایند، بلکه همچنین با شهامت و تواضع و فروتنی، برای تغییر گرایش ها در فرهنگی که ارضای نفس را ارج می نهد و بنیان های همبستگی راست می کند، کوشش نمایند.

کانال سفینه عرفان

شعر زندگی

روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
من نپرسیدم و کس نیز مرا هیچ نگفت.
نوجوانی سپری گشت به بازی، به فراغت، به نشاط
فارغ از نیک و بد و مرگ و حیات
بعد از آن باز نفهمیدم من، که چه سان عمر گذشت
لیک گفتند همه، که جوان است هنوز
بگذارید که جوانی بکند، بهره از عمر برد، کامرانی بکند
بگذارید که خوش باشد و مست
بعد از این باز، او را عمری هست

یک نفر بانگ بر آورد که او از هم اکنون باید فکر آینده کند
دیگری گفت: چونکه فردا بشود، فکر فردا بکند
سومی گفت: همانگونه که دیروزش رفت، بگذرد امروزش، همچنین فردایش
با همه این احوال، من نپرسیدم هیچکس، چه سان عمر گذشت
آن همه قدرت و نیروی عظیم، به چه ره مصرف گشت
نه تفکر، نه تعمق، نه اندیشه ای
عمر بگذشت به بی حاصلگی و مسخرگی
چه توانی که ز کف دادم مفت
من نپرسیدم و کس نیز مرا هیچ نگفت
قدرت عمر شباب، می توانست مرا تا به خدایش برد
لیک بیهوده تلف گشت جوانی، هیئات

آن کسانی که نمی دانستند زندگی یعنی چه
رهنمایم بودند، عمرشان طی می گشت،، بیخود و بیهوده
و مرا می گفتند که چو آنان دایم فکر خوردن باشم، فکر تأمین معاش، فکر ثروت باشم، فکریک
زندگی بی جنجال، فکر همسر باشم
کس مرا هیچ نگفت، زندگی خوردن نیست
زندگی، داشتن همسر نیست
زندگی کردن، فکر خود بودن و غافل ز جهان بودن نیست
من نفهمیدم و کس نیز مرا هیچ نگفت
ای صد افسوس که چون عمر گذشت، معنی اش می فهمم
حال من می فهمم هدف از زیستن اینست عزیز:
من شدم خلق که با عزمی جزم، پای از بند هواها گسلم، پای در راه حقایق بنهم
....

من شدم خلق که مُمَرباشم
نه چنین زاید و بی جوش و خروش

...

حال من می فهمم که این سه روز از عمرم به چه ترتیب گذشت
کودکی، بی حاصل، نوجوانی، باطل، وقت پیری، غافل

سروده جناب هوشنگ محمودی